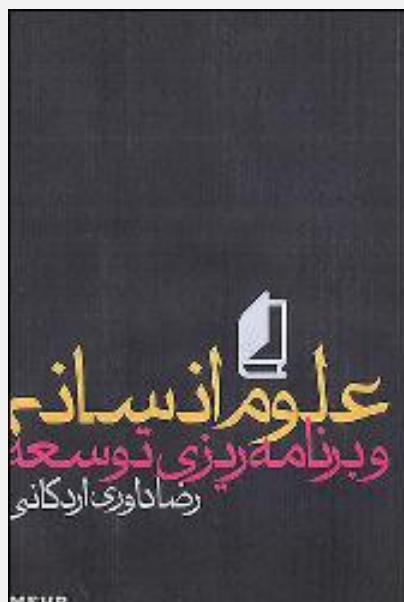


علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه

چاپ اول کتاب "علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه" تألیف رضا داوری اردکانی با شمارگان 2200 نسخه در 295 صفحه از سوی انتشارات "فردایی دیگر" منتشر شده است.



چاپ اول کتاب "علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه" تألیف رضا داوری اردکانی با شمارگان 2200 نسخه در 295 صفحه از سوی انتشارات "فردایی دیگر" منتشر شده است.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: علوم انسانی و اجتماعی در سالهای اخیر به امری مناقشه‌برانگیز بدل شده است که مباحث گوناگون و گاه متناقضی پیرامون آن از جوانب مختلف طرح شده‌اند. این پدیده که با مدرنیته و در تاریخ مدرنیته پدید آمده و خود حامی و پشتیبان آن نیز بوده هم‌اکنون نه فقط در جوامعی چون ایران بلکه در دل خود جهان مدرن نیز مورد نقد و بحث و تردید بسیار قرار گرفته است.

اما آیا علوم انسانی دیگری غیر از آنچه هست امکان دارد؟ این پرسشی است که دکتر رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان علوم، خود می‌گوید بیش از چهل سال است که به آن می‌اندیشد؛ پرسشی که باید به آن اندیشید و چیزی که باید به آن پرداخت چرا که اگر کسی از علوم انسانی چیزی نداند، چگونه می‌تواند علوم انسانی نو بسازد؟

این اندیشمند معاصر ایرانی در کتاب تازه خود، "علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه" چون همیشه به یکی از اصلیت‌ترین دغدغه‌های جهان اندیشگی خود پرداخته است و در مقدمه پس از آنکه اشاره می‌کند که علوم انسانی و اجتماعی کوششی برای افسون‌زدایی و حل و رفع بحرانها بوده‌اند، می‌افزاید: جهان جدید و مدرن، باز کماکان ایدئولوژیک باقی مانده، چرا که از نظم و شیوه‌ای از زندگی سخن گفته است که آن را یگانه‌نظمی انگاشته که متضمن آزادی و عدالت در تاریخ بشر است و بنابراین چنین چیزی چگونه می‌تواند ایدئولوژیک نباشد.

از نظر داوری علوم اجتماعی را نمی‌توان با صدور بخشنامه و دستورالعمل اداری و به طور کلی با اتخاذ تدابیر علمی دگرگون کرد و نمی‌توان آن را به هر راهی برد. وی که این علوم و رجوع به آنها را شرط توسعه می‌داند، تأکید می‌کند که این سخن وی به معنای دفاع از علوم انسانی و اجتماعی موجود و حتی دفاع از برنامه‌های توسعه نیست بلکه اثبات این نکته است که اگر توسعه می‌خواهیم، ناگزیر باید به علوم انسانی رجوع کنیم.

به باور این استاد فلسفه صاحب‌نظران بزرگ علوم انسانی و اجتماعی سخن‌گویان تاریخ و زمان خویش‌اند و به این جهت، تقلید از آنها وجهی ندارد، بلکه با مطالعه آثار آنان باید زمان آنان را شناخت و با این شناخت، زمان خود را بهتر یافت. آنچه وی بر آن تأکید دارد پرداختن به این پرسش‌مقدماتی و ضروری است که آیا ما به علوم انسانی و اجتماعی نیاز داریم؟ و اگر چنین است این نیاز، چگونه نیازی است؟

داوری بر این باور است که علم نه همچون امری نهایی که عالمان می‌دانند در نهایت چگونه محقق می‌شود بلکه همچون فرآیندی است که نمی‌توان گفت راه به کجا خواهد برد. باید قدم در راه گذاشت و پرسشها را کاوید و پیش رفت. در صورتی که اگر از پیش بگوییم که راه چیست و به کجا باید رسید کوشش برای تحصیل آن محصول از پیش مشخص لازم نخواهد بود. وی که خواست تأسیس علم اجتماعی مبتنی بر معارف دینی و علوم انسانی روییده از زمین فرهنگ تاریخی و بالیده در هوای سنن دینی و قومی را اخلاقاً مجاز می‌داند، بر آن است که این مسئله هنوز به درستی مطرح نشده و امکان چنین چیزی را، بدون تأمل و تحقیق، مسلم

انگاشتن، سخنی از سنخ خطابه و گفتار تبلیغاتی سیاسی است.

داوری می‌گوید ما می‌توانیم بپرسیم که آینده‌مان چه صورتی خواهد داشت و برای سیر در راه آینده چه امکاناتی داریم و چه می‌توانیم بکنیم، چرا که این بررسیها شاید لااقل به قوام چیزی که آن را علم اجتماعی بومی می‌خوانند بینجامد. (علمی که خود آن را علم اجتماعی محققانه می‌نامد.)

کتاب "علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه" دربرگیرنده مقالاتی است که مؤلف آنها می‌کوشد دشواری مسایل سیاست علم و رغبت دانشمندان و صاحب‌نظران به پژوهش و لزوم تأمل و بر حذر داشتن جاهلان از دخالت در علم را نشان دهد؛ مقالاتی که می‌توانند به مباحث گوناگون و جاری در ایران امروز که پیرامون علوم انسانی و اجتماعی طرح می‌شوند، وضوح بیشتری ببخشند و به مخاطبان خود یادآور شوند که پیش و بیش از هر چیز در این عرصه باید مسایل و پرسشها را جدی گرفت و محققانه و با جدیتی تام و تمام گام در راه نهاد.